



## تاریخ ترجمه‌های به زبان فرانسه در قرن‌های هفدهم و هجدهم

طهمورث ساجدی (دانشگاه تهران، پژوهشکده زبان ملل)

*Histoire des traductions en langue française, XVIIe et XVIIIe siècles*, sous la direction d'Yves Chevrel, Annie Coindre, et Yen-Maï Tran-Gervat, Lagrasse, Éd. Verdier, 2014, 1372 p.

تاریخ ترجمه‌های به زبان فرانسه بناست شامل چهار جلد باشد. تاکنون جلد سوم آن (قرن نوزدهم) در سال ۲۰۱۲ و جلد دوم آن (قرن‌های هفدهم و هجدهم) در سال ۲۰۱۴ منتشر شده است. جلد سوم به همین قلم در نامه فرهنگستان (دوره چهاردهم، شماره مسلسل ۵۳ پاییز ۱۳۹۳، ص ۶۲-۷۱) معرفی و جلد دوم در این مقاله معرفی می‌شود. جلد اول (قرن‌های پانزدهم و شانزدهم) و جلد چهارم (قرن بیستم) در دست تهیه است.

اینکه تاریخ ترجمه‌های به زبان فرانسه در قرن‌های هفدهم و هجدهم (سال‌های ۱۶۱۰-۱۸۱۵) در یک جلد گنجانده شده، ظاهراً به دلیل آن است که این دوره عصر نبوغ<sup>۱</sup> خوانده شده و، به لحاظ شأن تاریخی، برهه واحد به شمار آمده است. ترجمه به زبان فرانسه در این دوره از زبان‌های لاتینی و ایتالیایی و، به میزان کمتر، از زبان اسپانیایی

1) L'âge du génie

صورت گرفته است. در واقع، آغاز این دوره مقارن است با روتق فرهنگی دو زبان زنده اروپائی (ایتالیائی و اسپانیائی) و، در قرن هجدهم، بسط و توسعه زبان اسپانیائی همچنین ورود زبان فرانسه به ساحت زبان فرهنگ<sup>۲</sup>.

می‌توان گفت جلد حاضر بر اساس مقارنه کلاسیسیسم و عصر روشنگری طرح‌ریزی شده است. توجه به فرهنگ‌های بیگانه در عصر جدید طبعاً گرایش به ترجمه آثار این فرهنگ‌ها را ایجاد می‌کرده و تأسیس *Journal étranger* (روزنامه بیگانه) در سال ۱۷۵۴ نشانه بارز این گرایش است. تمایل به آشنایی با زبان‌های مشرق‌زمین از همین نیاز ناشی شده است. همچنین اومانسیم قرن شانزدهم و کنجکاوی برای شناخت منبع اصلی کتاب مقدس جامعه فرهنگی فرانسه را به وارد کردن آن کتاب به زبان‌های یونانی و عبری توراتی در برنامه درسی سوق داد. فیلولوژی<sup>۳</sup> (فقه‌اللغه، دانش زبان) در برنامه آموزشی دانشگاهی جایگاه شایسته‌ای یافت. در همین فضای تازه فرهنگی است که کتاب مقدس چند زبانه<sup>۴</sup> در پاریس چاپ و منتشر می‌شود؛ زبان سریانی و، در پی آن، زبان سامری<sup>۵</sup> شأن درخور کسب می‌کند و پروتستان‌های فرانسوی عبری‌دان، که جلای وطن می‌کنند و به آلمان پناه می‌برند، نقش مؤثری در این جریان فرهنگی ایفا می‌کنند. در همین بحبوحه است که نسخه خطی «خمسۀ موسی»<sup>۶</sup> (اسفار پنج‌گانه) را پیتر و دلاواله<sup>۷</sup> در سال ۱۶۱۶ به پاریس می‌آورد که چاپ و منتشر می‌شود. دلاواله، که این نسخه را در دمشق خریده بود، در سفرنامه خود، شرح مبسوطی درباره آن می‌آورد.

در این احوال، مطالعه آثار به زبان عربی حوزه مستقلى را پدید می‌آورد و، به خصوص در عرصه الاهیات پروتستانی، ذی‌نقش می‌شود. همچنین، در عصر رنسانس، زبان ایتالیائی لازمه محیط ادبی و نیز سیاسی و نظامی اروپا می‌گردد. در همین اوان، زبان اسپانیائی، بر اثر قرابت‌های خانوادگی اسپانیا و فرانسه در سطح سلطنتی، اعتبار تازه‌ای کسب می‌کند. همچنین زبان آلمانی، به عنوان «زبان مردان جنگی»، در طول قرن هفدهم شهرت کاذبی می‌یابد و ریشه و واژه‌های بسیاری از زبان فرانسه

2) Langue de culture

3) Philologie

4) *La Bible polyglotte de Paris*

5) samaritain

6) *Le Pentateuque*

7) Pietro della Valle (1586-1652)

در زبان آلمانی بازشناسی می‌شود. مع‌الوصف، در این ایام، از ترجمه آثار آلمانی به زبان فرانسه خبری نیست. اما این خلأ، با معرفی ادبیات آلمانی در *Jornal étranger* پس از سال ۱۷۶۰، به نوعی پُر می‌شود و فضا برای ترجمه آثار ادبی آلمانی به زبان فرانسه باز می‌گردد.

می‌توان گفت قرن‌های هفدهم و هجدهم شاهد سلطه زبان‌های فرانسه، آلمانی، اسپانیایی، و ایتالیایی سپس انگلیسی در اروپاست. گرایش به زبان انگلیسی را می‌توان مرهون اظهار نظرهای ستایش‌آمیز فلاسفه و نویسندگان شاخص فرانسوی همچون مونتسکیو<sup>۸</sup>، ولتر<sup>۹</sup> و پدر روحانی پروو<sup>۱۰</sup> که به انگلستان سفر کردند شمرد. بدین‌سان، برای آموزش زبان‌های زنده اروپایی در مدارس فرانسه رفته رفته جاگشوده می‌شود. در این میان، از ترجمه دُن‌کیشوت<sup>۱۱</sup>، شاهکار سروانتس<sup>۱۲</sup>، نویسنده نامور اسپانیایی، به قلم فیو دوسن مارتن<sup>۱۳</sup> نمی‌توان یاد نکرد که پرخواننده‌ترین اثر ادبی در قرن هجدهم فرانسه شد.

از مزایای کم‌نظیر این مجموعه، توجه به نقش و شأن فرهنگی و اجتماعی مترجمان است که عموماً مغفول می‌مانند و، در تاریخ فرهنگ و ادبیات، از آنان به شایستگی یاد نمی‌شود و حتی عموماً فراموش می‌شوند و گمنام می‌مانند یا، درخور مقام خود، شناخته نمی‌شوند. در قرن هجدهم، شمار مترجمان، به‌ویژه آنان که در خدمت کلیسایند، فزونی می‌گیرد. از این جهت، ژزوئیت<sup>۱۴</sup>ها (یسوعیون) در رأس‌اند و، پس از آنها، به ترتیب، دومینیکن<sup>۱۵</sup>ها، کرمیلیان<sup>۱۶</sup>، و بندیکتینیان<sup>۱۷</sup> جای دارند. مترجمان از قشرهای متعدّد اجتماعی - اشراف، پزشکان، مربیان آموزش و پرورش - اند. ترجمه آثار لاتینی و یونانی حایز اهمّیت خاص بوده است. حتی مطالعه این آثار کلید فراگیری زبان‌ها شمرده می‌شده است.

در قرن هجدهم، شمار مترجمان همچنان افزایش می‌یابد و، در جمع آنان، چهره‌های

8) MONTESQUIEU

9) VOLTAIRE

10) Abbé PRÉVOST

11) *Don Quichotte*

12) CERVANTÉS

13) Filleau de Saint-Martin

14) jésuites

15) dominicains

16) Carmes

17) bénédictins

ممتاز جهان ادبی و سیاسی و متفکران برجسته دیده می‌شوند. اما، در چنین شرایطی، ترجمه، که منزلت و اهمیتی در حوزه فرهنگی یافته، هنوز جنبه حرفه‌ای و وسیله ممر معاش ندارد. در عوض، این قرن، شاهد شرکت چشمگیر زنان در کار ترجمه است.

در اواخر قرن هجدهم، گروه کوپه<sup>۱۸</sup> و محفل مادام دوستال<sup>۱۹</sup> شکل گرفت. مادام دوستال، که به آلمان هجرت کرده و با ادبیات آلمانی انس و الفت گرفته بود، دوستان و هم‌مشریان خود را، از سال ۱۷۸۹ به‌گرد خود فراهم آورد. در محفل او، از ادبیات، فلسفه، مذهب، اقتصاد، و اوضاع جامعه و هم به‌ویژه از ترجمه‌ها گفت‌وگو می‌شد. یکی از چهره‌های برجسته این محفل آوگوست ویلهلم فن شلیگل<sup>۲۰</sup> بود که اثر او، درس‌های ادبیات نمایشی<sup>۲۱</sup>، به قلم یکی از بستگان مادام دوستال به زبان فرانسه برگردانده شد. شلیگل خود مترجم گرانقدری بود و آثار چند نویسنده بزرگ از جمله دانته<sup>۲۲</sup>، پترارک<sup>۲۳</sup>، شکسپیر<sup>۲۴</sup>، سروانتس، و کالدرون<sup>۲۵</sup> را از زبان‌های اروپایی به زبان آلمانی ترجمه کرده بود. مادام دوستال خود مقاله‌ای با عنوان «درباره روح ترجمه‌ها»<sup>۲۶</sup> (۱۸۱۶) نوشته و، در آن، ترجمه‌هایی را ذی‌نقش شمرده که ادبیات ملی را از جریان‌های مبتذل دور نگه می‌دارند. وی به منابع و آثار آلمانی و انگلیسی علاقه نشان می‌دهد و می‌کوشد محفلش خصلت بین‌المللی بیابد.

ترجمه رنج‌های ورتبر جوان (۱۷۷۴)، اثر گوته<sup>۲۷</sup> به زبان فرانسه از اقبال کم‌نظیری برخوردار می‌شود که انتظار آن هم می‌رفت؛ چون جو ژمانتیک اقتضای آن را داشت. این ترجمه و رنه<sup>۲۸</sup>، اثر شاتوبریان<sup>۲۹</sup>، در همان حال و هوا، نسل جوان فرانسه را به درجه‌ای متأثر ساخت که خودکشی‌هایی در پی انتشار آنها روی داد. از آن زمان، دو ترجمه در سال‌های ۱۷۷۶ و ۱۷۷۷ منتشر شد که راه تازه‌ای را برای آشنائی جامعه ادبی فرانسه با ادبیات نوظهور آلمان گشود.

18) Groupe de Coppet                      19) Mme de Staël (1766-1817)  
 20) August Wilhelm von Schlegel (1767-1845)    21) *Cours de littérature dramatique* (1814)  
 22) DANTE (1265-1321)                  23) PÉTRARQUE (1304-1374)  
 24) SHAKESPEARE (1564-1616)          25) CALDERON (1600-1681)  
 26) «De l'esprit des traductions»              27) GOETHE (1749-1832)              28) René  
 29) CHATEAUBRIAND (1768-1848)

در قرن هفدهم، مطبوعات و نشریات ادواری در انتشار آثار ترجمه‌ای نقش و سهم مؤثری یافتند. در نیمه دوم این قرن، (1660) *Gazette de Londres* و *Gazette d'Amsterdam* (1691) این نقش را ایفا کردند. رویداد مهم دیگر در همین قرن انتشار *Journal des savants* (نامه دانشوران) در سال ۱۶۶۵ بود که به شبه نهادی فرهنگی بدل شد و، سوای دوره‌ای کوتاه، دوام یافت، چنان‌که هم‌اکنون ارگان فرهنگستان کتیبه‌ها و ادبیات<sup>۳۰</sup> فرانسه است. همچنین از انتشار *Mercurie galant* (1672) باید یاد کرد که متعاقباً *Mercur de France* (1724) نام گرفت و، در آن، علاوه بر ترجمه آثار، جستارهایی درباره ترجمه منتشر شد و آراء گوناگونی در این باب مطرح گردید. از جمله، یکی از نظریه‌پردازان ترجمه را *Belle infidèle* (زیباروی بی‌وفا) خواند.

بدین سان، نظریه‌پردازی در باب ترجمه رواج یافت چنان‌که به رساله‌هایی در مقطع تحصیلی دکتری نیز راه یافت. از آن میان، رساله دکتری فردریک وتیه با عنوان درباره ترجمه<sup>۳۱</sup> یادکردنی است که به سال ۱۸۱۲ در دانشکده ادبیات پاریس از آن دفاع شد و فرانسویان پدیدآورنده آن را *traductologue* (ترجمه‌شناس) خواندند. با این وصف، نمی‌توان گفت که با این قبیل نظریه‌پردازی‌ها، نظام ترجمه<sup>۳۲</sup> در فرانسه برقرار شده باشد. مبحث ترجمه قرآن از مباحث مهم مندرج در این جلد از مجموعه است که، طی آن، از دین اسلام و پیامبر آن نیز به تفصیل گفت‌وگو شده است. در باب ترجمه‌های قرآن، تأکید شده که غالب آنها غیر مستقیم صورت گرفته است. درباره رسول اکرم، از جدال قلمی کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها در باب شخصیت آن حضرت یاد شده و به قلم‌فرسایی‌های عالمانه دانشمندانی همچون آدرین زلاند<sup>۳۳</sup> هلندی و ژرژ گائییه<sup>۳۴</sup> فرانسوی‌تبار، که سرانجام به مذهب پروتستان گروید، اشاره رفته است.

نخستین ترجمه کامل قرآن به قلم آندره دو رییه<sup>۳۵</sup>، مترجم زبان‌های ترکی و عربی کنسولگری‌های فرانسه در شرق طالع، صورت گرفت که به سال ۱۶۴۷ (سیزده سال پس از ترجمه گلستان سعدی) منتشر شد. اما، پس از آن، در قرن هجدهم، به تأثیر فضای فکری عصر

30) Académie des inscriptions et belles-lettres

31) Frédéric Vautier, *De la traduction*

32) système de traduction

33) Adrien Roland

34) Georges Gagnier

35) André Du Reyer

روشنگری، نظر متفکران فرانسوی، درباره اسلام همچنين درباره پیامبر گرامی آن تغییر محسوس کرد و این نظر، در مقابله با کاتولیک‌ها، مدافعان معتبر و پرقوتی یافت. در چنین فضایی، ترجمه دیگری از قرآن، به قلم کلود ساواری<sup>۳۶</sup>، در سال ۱۷۸۳، منتشر شد که جواد حدیدی در مجله *Loghmân* (لقمان)، از انتشارات مرکز نشر دانشگاهی در دوره مدیریت استاد نصرالله پورجوادی، آن را نقد کرد که، در مجلد حاضر از مجموعه، ذکر آن رفته است.

در مجلد حاضر، به گستردگی، از سفرنامه‌های سیاحان فرانسوی که به ایران و دیگر کشورهای مشرق‌زمین سفر کرده‌اند یاد شده است. در این باب، بازشناسی واژه‌های بیگانه که طبعاً در این سفرنامه‌ها و، از آن طریق، در زبان فرانسه وارد شده‌اند درخور توجه است. مارسیل دویک<sup>۳۷</sup>، شرق‌شناس فرانسوی، در اواخر قرن نوزدهم، فرهنگی شامل واژه‌های شرقی به عنوان ذیلی بر فرهنگ زبان فرانسه اثر امیل لیتره<sup>۳۸</sup> پدید آورد که متعاقباً، در قرن بیستم، با تحقیقات دامنه‌دار زبان‌شناختی، با جزئیات دقیق‌تر از حیث ریشه‌شناسی و ورود مستقیم یا به واسطه واژه‌ها، به صورت علمی درآمد. ناگفته نماند که جفروی آتکینسن<sup>۳۹</sup> (۱۸۹۲-۱۹۶۰)، در رساله‌ای مختص معرفی سفرنامه‌های قرن هفدهم<sup>۴۰</sup>، کوشید تأثیر آنها را در شکل‌گیری روح این قرن نشان دهد. اهمیت این رساله، چنان‌که شاید و باید، هنوز شناخته نشده است.

در این جلد، به ترجمه آثاری در تاریخ نیز، فصلی اختصاص یافته است که البته با سفرنامه‌ها از جهات متعدد نسبت و قرابت دارند.

نکته مهم اینکه ترجمه‌ها به زبان فرانسه، اگر تا قرن هفدهم بیشتر از زبان‌های ایتالیایی و اسپانیایی صورت می‌گرفته، در قرن هجدهم بیشتر از زبان انگلیسی بوده است چنان‌که سفرنامه‌هایی سراغ داریم که ابتدا، از زبان‌های عربی و فارسی، به زبان انگلیسی

36) Claude SAVARY

37) Marcel DEVIC

38) Émile LITRÉ, *Dictionnaire de La langue française*

39) Geoffroy ATKINSON

40) *Les Relations de voyages du XVIIe siècle et l'évolution des idées. Contribution à l'étude de la formation de l'esprit du XVIIIe siècle*

درآمده‌اند و ملکیزدک تونو<sup>۴۱</sup>ی فرانسوی آنها را - با عنوان گزارش‌هایی از سفرهای گوناگون جالب توجه که اصلاً منتشر نشده‌اند؛ یا از سفرنامه‌های سیاحان انگلیسی و هلندی و پرتغالی و آلمانی و اسپانیایی و چند جهانگرد ایرانی و عرب و دیگر اثرآفرینان شرقی ترجمه شده‌اند<sup>۴۲</sup> - به زبان فرانسه منتشر کرده است. همچنین مجموعه‌ای که پدر روحانی پروو، به درخواست وزرای نیروی دریایی فرانسه - با عنوان تاریخ عمومی سفرها یا مجموعه نوین همه گزارش‌های سفرهای دریایی و زمینی که تاکنون به زبان‌های گوناگون همه ملل شناخته شده منتشر شده‌اند برای تشکیل دستگاه کاملی از تاریخ و جغرافیای مدرن که نمودار وضع فعلی همه ملل همراه با نقشه‌های جغرافیایی باشد<sup>۴۳</sup> - از زبان انگلیسی به زبان فرانسه برگرداند. پس از او، کسانی دیگر کار او را پی گرفتند و، در نتیجه، مجموعه به هشتاد جلد رسید.

طولانی‌ترین بخش این جلد به ترجمه‌های اشعار اختصاص یافته است. از جمله مندرجات آن است: مجموعه متون شرقی (۱۶۹۷) که بارتلمی مواد آن را گرد آورده و به زبان فرانسه برگردانده است<sup>۴۴</sup>؛ منتخب آثار عربی (۱۸۰۶) که سیلوستر دوساسی گرد آورده و، به عنوان کتاب درسی، منتشر شده است<sup>۴۵</sup>.

در این مقال، از ولع سیاحان و شرق‌شناسان اروپایی برای خرید نسخ خطی شرقی نیز باید یاد کرد که بیشتر خواستار این نسخه‌ها به زبان‌های عربی و ترکی و فارسی بودند. بزرگترین بازار این نسخه‌ها در سرزمین‌های شرقی اسلامی استانبول بود که از نیمه دوم قرن هفدهم میسیون‌هایی به آن شهر اعزام شدند، ژان باتیست گلبیر<sup>۴۶</sup>، صدراعظم فرانسه، هیئت‌هایی را به شرق طالع و ایران گسیل داشت که مأموریت تحصیل نسخه‌های

41) Melchisedec THÉVENOT

42) *Relations de divers voyages curieux qui n'ont point été publiés; ou qui ont été traduites d'Hachuyt, de Purchas, et d'autres voyageurs anglais, hollandais, portugais, allemands, espagnols, et de quelques persans, arabes, et autres auteurs orientaux* (1663-1672)

43) *Histoire générale des voyages ou nouvelle collection de toutes les relations de voyages par mer et par terre, qui ont été publiées jusqu'à présent dans les différentes langues de toutes les nations connues [...] pour former un système complet d'histoire et de géographie moderne qui représentera l'état actuel de toutes les nations, enrichi de cartes géographiques.*

44) BARTHÉLEMY, *Bibliothèque orientale*

45) Sylvestre de SACY, *Chrestomathie arabe*

46) Jean-Baptiste COLBERT

خطی را نیز بر عهده داشتند.

کوتاه سخن، نهضت ترجمه آثار به زبان فرانسه در قرن‌های هفدهم و هجدهم در همه ابعاد علمی و فرهنگی فرانسه اثر گذاشت. طی این دو قرن، مترجمان بسیاری ظهور کردند و ثمرات کار و دستاورد آنان، خواه ناخواه، مواد متنوع ارزشمندی برای ترجمه‌شناسی در دسترس نظریه‌پردازان قرار داد.

□

